

ارتش ایران در دوره صفوی

دکتر حمید اسدیپور، دکتر حسین اسکندری



ارتش ایران در دوره صفوی و تحولات آن

نویسندگان:

دکتر حمید اسدپور

استادیار دانشگاه خلیج فارس

و

دکتر حسین اسکندری



نگارستان اندیشه

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه: اسدپور، حمید، ۱۳۴۳ - Asadpour, Hamid

عنوان و نام پدیدآور: ارتش ایران در دوره صفوی و تحولات آن / نویسندگان
حمید اسدپور، حسین اسکندری. تهران: انتشارات نگارستان اندیشه: ۱۳۹۶.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. شابک: 4-25-6607-622-978

یادداشت: کتابنامه

موضوع: ایران. ارتش -- تاریخ -- ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق. Iran. Artesh -- History

1502 - 1736 -- ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق -- Iran --

History -- Safavids, 1502 - 1736

شناسه افزوده: اسکندری، حسین، ۱۳۴۹ اردیبهشت

رده دیوئی: ۹۵۵/۰۷۱۰۶ - رده بندی کنگره ۱۱۸۰ DSR

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۴۷۳۸۱

ارتش ایران در دوره صفوی

و تحولات آن

نویسندگان:

دکتر حمید اسدپور، استادیار دانشگاه خلیج فارس

دکتر حسین اسکندری

نمونه خوانی: وحید دریاییگی

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ: اول، ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نسیم

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۱۶ - ۶۶۹۷۸۸۸۱

www.cins.ir - info@cins.ir

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه.....
۱۳.....	بخش اول: ارتش در ایران پیش از عهد صفوی.....
۱۳.....	مبانی نظری.....
۱۳.....	مبانی نظری ارتش در ایران باستان.....
۱۹.....	مبانی نظری ارتش در ایران دوره اسلامی تا پیش از صفویه.....
۲۵.....	ارتش در ایران قبل از صفویه.....
۲۵.....	ارتش در ایران باستان: ایران پیش از ورود آریایی‌ها.....
۲۹.....	ارتش ایران در دوره استقرار حکومت‌های آریایی.....
۴۷.....	نیروی دریایی در ایران باستان.....
۵۱.....	ارتش در ایران دوره اسلامی تا آغاز صفویه.....
۵۱.....	نیروی زمینی.....
۹۶.....	نیروی دریایی ایران دوره اسلامی تا آغاز صفویه.....
۱۰۳.....	بخش دوم: ارتش در عهد اول صفوی.....
۱۰۳.....	مدخل: زمینه‌های تشکیل حکومت صفوی.....
۱۰۳.....	تشیع و تشکیل حکومت صفوی.....
۱۱۴.....	تصوف.....
۱۱۶.....	پیوند تشیع و تصوف.....
۱۱۷.....	آنانتولی و پیوند تشیع و تصوف.....
۱۱۹.....	زمینه‌های سیاسی تشکیل حکومت صفویه.....
۱۲۱.....	زمینه اجتماعی تشکیل حکومت صفویه.....
۱۲۴.....	نقش خاندان شیخ صفی.....
۱۳۳.....	شاه اسماعیل و تشکیل حکومت صفوی.....
۱۴۱.....	شکل‌گیری اولیه ارتش صفوی.....
۱۴۶.....	نقش ایلات در ساختار ارتش صفوی.....
۱۴۸.....	ایلات بزرگ ترکمان.....
۱۴۸.....	استاجلو.....
۱۵۰.....	تکلو.....
۱۵۲.....	شاملو.....

۱۵۳.....	روملو.....
۱۵۴.....	ذوالقدر.....
۱۵۶.....	قاجار.....
۱۵۷.....	افشار.....
۱۵۹.....	ایلات کوچک ترکمان.....
۱۶۲.....	عناصر غیر ترک در ارتش صفوی.....
۱۶۶.....	مناصب و ساختار ارتش.....
۱۶۶.....	امیرالامرا.....
۱۷۱.....	قورچی.....
۱۸۲.....	چرخچی.....
۱۸۴.....	تواجی.....
۱۸۵.....	توپچی و تفنگچی.....
۱۸۸.....	قاضی عسکر.....
۱۸۸.....	حشر.....
۱۹۱.....	آرایش نظامی و شیوه‌های جنگی ارتش صفوی.....
۱۹۲.....	آرایش نظامی ارتش صفوی.....
۱۹۶.....	سرعت عمل و شبیخون.....
۱۹۸.....	زمین‌های سوخته.....
۲۰۳.....	منقلا.....
۲۰۶.....	روش‌های حصارگیری.....
۲۰۹.....	پیوندهای خانوادگی و ارتش صفوی.....
۲۱۰.....	سلاح و پوشش نظامی.....
۲۲۱.....	منابع تامین هزینه ارتش صفوی.....
۲۲۸.....	خبرگیری و جاسوسی.....
۲۳۰.....	آذوقه.....
۲۳۳.....	موسیقی نظامی.....
۲۳۶.....	اعتقادات و ارتش عهد اول صفوی.....
۲۴۰.....	ارتش و سیاست.....
۲۵۶.....	اجتماع، اقتصاد و ارتش صفوی.....
۲۶۵.....	نقش و عملکرد ارتش.....
۲۷۵.....	بخش سوم: تحول در ارتش صفوی: ارتش در دوره شاه عباس.....
۲۷۵.....	مدخل.....
۲۷۶.....	قزلباشان.....
۲۸۵.....	نقش غیراساسی طوایف قزلباش.....
۲۸۵.....	روملو.....

۲۸۵.....	افشار.....
۲۸۶.....	ذوالقدر.....
۲۸۶.....	طوایف کوچک.....
۲۸۸.....	نقش اساسی طوایف قزلباش.....
۲۸۸.....	استاجلو.....
۲۸۹.....	شاملو.....
۲۹۰.....	قاجار.....
۲۹۲.....	مناصب و ساختار ارتش.....
۲۹۵.....	سپهسالار.....
۲۹۸.....	قورچی باشی.....
۲۹۸.....	قوللر آقاسی.....
۲۹۹.....	توپچی باشی.....
۲۹۹.....	تفنگچی باشی.....
۳۰۰.....	مناصب و گروه‌های غیراساسی.....
۳۰۳.....	غلامان.....
۳۰۹.....	تفنگچیان.....
۳۱۶.....	قورچیان.....
۳۲۳.....	پیدایش شاهسون.....
۳۲۶.....	استراتژی نظامی.....
۳۲۹.....	شیوه‌های نظامی.....
۳۲۹.....	تطمیع.....
۳۳۱.....	گردآوری نیروها.....
۳۳۳.....	چرخچیان و سرعت عمل.....
۳۳۵.....	زمین‌های سوخته.....
۳۳۹.....	شیوه‌های حصارگیری.....
۳۴۲.....	جاسوسی.....
۳۴۴.....	انضباط.....
۳۴۶.....	آموزش.....
۳۴۸.....	مواجب.....
۳۵۱.....	تدارکات.....
۳۵۵.....	تجهیزات.....
۳۶۵.....	نیروی دریایی.....
۳۶۵.....	نیروی دریایی صفویه تا پیش از سلطنت شاه عباس.....
۳۷۳.....	نیروی دریایی در دوره شاه عباس.....
۳۸۲.....	مناسبات ارتش، اجتماع و اقتصاد.....

۳۹۲	عملکرد ارتش
۳۹۹	بخش چهارم: ارتش در دوره پایانی صفویه
۳۹۹	مدخل
۴۰۰	ضعف ارتش صفوی
۴۰۰	نابودی ارکان نظامی
۴۰۴	تعارض و اختلافات در ارکان حکومت صفوی
۴۰۷	تن‌آسایی و منفعت‌طلبی در ارتش صفوی
۴۱۱	دربار صفوی و بی‌توجهی به ساختار نظامی
۴۲۱	تقدیرگرایی
۴۲۵	مناصب و ساختار ارتش
۴۲۵	ساختار و مناصب اصلی
۴۲۶	سپهسالار
۴۲۸	قورچیان
۴۳۲	قوللر
۴۳۵	تفنگچیان
۴۳۸	توپچیان
۴۴۱	صاحب منصبان جز در ارتش صفوی
۴۴۱	مین باشیان، یوزباشیان، مستوفیان
۴۴۳	توابعیان
۴۴۴	جزائری
۴۴۵	یساولان قور
۴۴۶	ریکایان و تبرداران
۴۴۶	جباردارباشی
۴۴۷	گرک یراق
۴۴۸	چریک
۴۴۹	قزلباشان
۴۵۱	مواجب و تدارکات
۴۵۵	نیروی دریایی
۴۶۹	عملکرد ارتش
۴۷۵	سخن پایانی
۴۸۱	منابع و مآخذ
۴۸۱	کتب فارسی
۴۹۶	مآخذ انگلیسی

مقدمه

پدیده‌های تهاجم و تدافع از جمله پدیده‌هایی هستند که همیشه همراه و همزاد انسان‌ها بوده‌اند. این همراهی ناشی از دفاع انسان از خود و دستاوردهایش و گاهی نیز به دلیل طبع زیاده‌خواهی انسان‌ها می‌باشد. تهاجم و تدافع از جمله مسائلی هستند که از همان دوران اولیه زندگی انسان‌ها شکل گرفتند. انسان اولیه چه در مقابله با طبیعت و حیوانات و چه در برابر هم‌نوعان خود، این دو پدیده را وسیله‌هایی جهت رسیدن به اهدافش تلقی می‌نمود. پس از آن که بشر به زندگی یکجانشینی و تقسیم کار روی آورد، گروهی نیز به شغل سپاهگیری و دفاع از جوامع پرداختند و نیروی نظامی یکی از ارکان اصلی جوامع شد. بخش مهمی از تحولات هر جامعه‌ای مربوط به امور دفاعی و نظامی می‌باشد. به همین دلیل ارتش به‌عنوان رکن اصلی ساختارهای دفاعی یک جامعه مورد توجه حاکمان و سیاستمداران قرار گرفته است و هیچگاه یک جامعه از آن بی‌نیاز نبوده است. وجود نیروهای نظامی برای پاسداری از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و امنیتی یک جامعه و دفاع از موجودیت کشور و ملت در هنگام تهدیدات و تهاجمات خارجی و نیز حفظ امنیت و نظم داخلی در طول تاریخ مورد تاکید حکومت‌ها، جوامع و متفکران بود و ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. پس هر جامعه با توجه به نوع نیاز خود به مساله ارتش پرداخته است. ازسوی دیگر تعریف هر جامعه از این نیازها، اساس تشکیلات، تجهیزات و شیوه و روش کاربرد نیروهای نظامی را مشخص نموده است. اهمیت ارتش در طول تاریخ بشریت تا بدانجاست که بخش مهمی از توسعه و گسترش توانمندی‌های انسان‌ها مربوط به امور نظامی می‌باشد. همچنین بخش وسیعی از اوراق تاریخ بشریت به اقدامات ارتش و امور نظامی پرداخته شده است. فعالیت‌های ارتش، صرفاً در جنبه نظامی اهمیت ندارد، بلکه نهادی قدرتمند در طول تاریخ است که تاثیر عمیقی بر سیاست، اجتماع و اقتصاد داشته است.

در ایران از همان دوره باستان، ارتش اهمیت زیادی داشته است. فلسفه تشکیل حکومت ماد، دفاع از قلمروش در برابر تهاجمات بیگانگان مانند آشوریان بوده است. پیش از آن نیز در نزد آریایی‌ها، طبقه جنگاوران مورد توجه بود. در تداوم تاریخ ایران نیز ارتش و نیروهای نظامی همواره از جایگاه مهمی برخوردار بودند. موقعیت مهم جغرافیایی ایران و وجود قدرت‌های بزرگ و طوایف بیابانگرد در اطراف ایران، اهمیت مساله را دوچندان نموده بود. وجود تشکیلات منظم نظامی در ایران باستان و همچنین اصطلاحات فراوان مربوط به ارتش در این دوره، نشانگر توجه به این نهاد بوده است.

با ورود اعراب مسلمان به ایران نیز، ارتش اهمیت فوق‌العاده خود را حفظ نمود. از سوی دیگر در اسلام نیز بر امر جهاد و غزوه، ورزش‌های بدنی و نیز سلحشوری و جنگاوری تاکید گردیده است. در این دوره تجارب نظامی ایرانیان به اعراب منتقل شد و گروه‌های ایرانی با ورود به سپاه مسلمانان، این سنت‌ها را تداوم بخشیدند. در قرون بعد و به ویژه در دوره بسامانیان که آغازی بر استفاده وسیع نظامیان ترک و شیوه‌های نظامی آنان در ساختارهای تهاجمی و دفاعی ارتش حکومت‌های ایرانی به شمار می‌رود، نفوذ و برتری نظامیان نیز به اوج می‌رسد. ضرورت امر ارتش و قوای نظامی بدان حد بود که در سیرالملوک‌ها و اندرزنامه‌هایی مانند سیاست‌نامه و قابوسنامه نیز بدان پرداخته شده است. این جایگاه حتی در نزد گروه‌های اجتماعی و نظامی مردمی نظیر عیاران نیز لحاظ شده است. چنان که آن‌ها نیز به تربیت نیروها و داشتن ساختار و تشکیلات نظامی توجه داشته‌اند. ساختارها، شیوه‌ها و تجهیزات جنگی و دفاعی ارتش ایران که از دوره سلجوقی، نهادینه شده بود تا قرن‌ها تداوم یافت. اهمیت ارتش و مسائل نظامی در این قرون تا به آنجاست که حکومت‌ها، معمولاً بخش زیادی از درآمدهای خود را جهت تقویت نیروهای نظامی صرف می‌کردند. در عهد خوارزمشاهیان، ایلخانان، تیموریان و ترکمانان، ارتش و نیروهای نظامی همچنان مورد توجه واقع بودند و هیچ گاه از توجه به آنان غفلت نشد.

استقرار حکومت صفویه نقطه عطفی در تاریخ ایران است که باعث تحولات عمده‌ای در جامعه ایران گردید. حکومتی که بیش از دو قرن در تاریخ ایران تداوم یافت و تأثیرات آن تا مدت‌ها بر جامعه ایران باقی ماند. به واقع صفویان چارچوب حکومتی بر جای گذاشتند که حکومت‌های پس از آنان به نوعی تقریباً در این چارچوب و تشکیلات مهم آن قرار گرفتند. به همین دلیل، شناخت هر کدام از نهادهای این حکومت به شناخت نهادهای حکومت‌های پس از صفویه نیز کمک می‌نماید. از سوی دیگر ارتش از جمله موضوعاتی است که کمتر مورد توجه محققان دوره صفویه قرار گرفته است. مساله دیگر آن که ارتش مانند دیگر پدیده‌های هر حکومتی به عنوان یک نهاد فقط منحصر به مسائل نظامی نیست بلکه پیوندهای عمیقی با مذهب، سیاست، اقتصاد و اجتماع به ویژه در عصر صفوی داشته است. شناخت ارتش می‌تواند به تبیین بیشتر پدیده‌های دیگر این دوره نیز بیانجامد. آنچه محققان در مورد وضعیت نظامی دوره صفوی به آن پرداخته‌اند صرفاً مربوط به جنگ‌های این دوره می‌باشد و موضوع ارتش و مسائل متعدد مربوط به این نهاد مهم مورد غفلت قرار گرفته است. تا به حال هیچ تحقیق جامعی در مورد ارتش صفویه انجام نشده است و چنانکه اشاره شد ارتش در نگاه بسیاری از محققان فقط یک پدیده نظامی و جدای از نهادهای دیگر بوده است. براین اساس با توجه به خلا موجود در مورد موضوع ارتش دوره صفویه، انجام چنین پژوهش ضروری به نظر می‌رسید. این پژوهش یک اثر تاریخی پیرامون یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است که تقدیم علاقمندان به تاریخ ایران و به ویژه علاقمندان دوره صفویه شده است. در این پژوهش تلاش گردیده است تا مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی

اعتقادی به صورت مجموعه‌ای واحد و تأثیرگذار بر یکدیگر مورد بررسی واقع شود.

پژوهش حاضر به چهار بخش تقسیم شده است. در بخش اول این اثر، بررسی ارتش ایران پیش از صفویه است و سه بخش دیگر دوره اول، میانی و سرانجام دوره پایانی صفویه را دربر می‌گیرد. صفویان در دوره اول حکومت خود، به رغم آن که اختلافات شدید ایدئولوژیکی و ارضی با همسایگان شرقی و غربی خود داشتند و همچنین با گسترش نفوذ استعمارگران در خلیج فارس مواجه بودند، به دلیل برخورداری از یک نیروی نظامی پرشور و شوق ایدئولوژیک، احساس نیاز چندانی به ایجاد تحولات عمده در ارتش و قوای نظامی ندیدند و قزلباشان محور اصلی ساختار نظامی آن‌ها بود. لذا تغییرات عمده‌ای در ساختار ارتش به وجود نیاوردند. بنیادی‌ترین تحولات در ارتش صفویه در دوره میانی این حکومت یعنی در دوره سلطنت شاه عباس رخ داد. نابسامانی، رقابت و ناکارآمدی در نیروی نظامی سنتی صفویان و همچنین اختلافات شدید قزلباشان، جهت به دست آوردن منافع از یک سو و عدم برخورداری از آموزش و تجهیزات نظامی به روز از سوی دیگر، احساس نیاز به تحولات عمده در ساختار، ترکیب و تجهیزات ارتش صفوی را به وجود آورد. در این دوره آشنایی با اروپاییان نیز در بروز این تحولات بسیار موثر بود. هرچند باید گفت که به دلیل نگاه بری پادشاهان صفوی، ساختار ایللیاتی نیروهای ارتش، وجود شیوه‌های جنگی بری در ارتش صفوی و همچنین توجه حکومت صفوی به تهدیدات اساسی در مناطق غیر دریایی توجه چندانی به نیروی دریایی نشد. به واقع باید گفت که مشکلات ناشی از رقابت‌های قبیله‌ای قزلباشان، وابستگی این نیروها به ساختار قبیله‌ای و آشوب‌های ناشی از این رقابت‌ها و در نتیجه شکست‌های سنگین ارتش صفویه از عثمانی، ایجاد تحول در این ارتش را بر شاه عباس، تحمیل نمود. این تحولات پیامدهای مهمی به دنبال داشت.

بدیهی است که این پژوهش نیز به مانند دیگر پژوهش‌ها، دارای نقص و لغزش‌های احتمالی باشد و انتظار می‌رود که پژوهش‌گران گرامی با ارائه نظرات و انتقادات خود در تکمیل هر چه بیشتر آن و برطرف نمودن نواقص اینجانب را یاری دهند و از نظرات عالمانه خویش محروم نفرمایند. امید است که توانسته باشیم در حد وسع و توان خویش، بخشی از وظیفه خود را به این اب و خاک ادا کرده باشیم و هم چنین این پژوهش چراغ راهی جهت دیگر پژوهش‌ها برافروخته گرداند.



بخش اول: ارتش در ایران پیش از عهد صفوی

مبانی نظری

در طول تاریخ بشر، جنگ همیشه همراه و همزاد او بوده است. گاهی جنگ با هم نوع و زمانی با طبیعت روی داده است. بشر از همان روزهای اولیه زندگی در غارها با جنگ سرو کار داشته است و جنگ در اشکال تدافعی و تهاجمی خود را نمایان ساخته است. پس از روی آوردن بشر به زندگی گروهی و یکجا نشینی، باز هم پدیده‌ی دفاع از خود و دستاوردهایش اهمیت فراوانی داشته است و این پدیده به شکل دسته جمعی روی می‌داده است. با گسترش زندگی گروهی و به وجود آمدن تقسیم کار عده‌ای به کار دفاع و جنگ پرداختند و به این ترتیب هسته‌های اولیه ارتش‌های بشری شکل گرفت. با توجه به اهمیت مسالهی ارتش و کاربرد آن در شکل تدافعی یا تهاجمی، از همان آغاز بشر در آثار مکتوبش به مسالهی ارتش اهمیت فراوانی داده است. ورود این مسأله به‌اندیشه‌های اسطوره‌ای و مذهبی انسان‌ها، اهمیت و جایگاه مهم آن را برای انسان مشخص و نمودار می‌سازد.

در ایران نیز از همان دوره‌ی باستان و همچنین در دوره‌ی اسلامی متفکران و اندیشمندان در نظریه‌ها و مباحث خود جایگاهی به مسالهی ارتش اختصاص داده‌اند.

مبانی نظری ارتش در ایران باستان

در اندیشه‌های اسطوره‌ای ایران به مسالهی ارتش، نقش و کارکرد آن توجه خاصی شده است. در اسطوره‌ها و اندیشه‌های مذهبی ایرانیان فلسفه‌ی وجودی ارتش و اهمیت آن جهت مبارزه با شر، بدی، تاریکی و گروه اهریمنی و دیوان بوده است. چنانکه در شاهنامه‌ی فردوسی از همان آغاز اندیشه‌ی نظامی و ترتیب دادن ارتش جهت مبارزه با گروه دیوان و اهریمنی در داستان کیومرث مطرح می‌شود:

خروشی برآورد خواهم همی
سپهدار پرکین و کنسداوری
همی با سمان بر پراکنده خاک
جهان کرد بر دیو نستوه تنگ^۱

که من لشکری کرد خواهم همی
سپاهی و دد دام و مرغ و پری
بیامد سیه دیو با ترس و باک
بیازید هوشنگ چون شیر چنگ

۱. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران، نشر عقیل، ۱۳۸۶، ص ۱۳.

همچنین در داستان جمشید نیز ابتدا مسائل نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد:

نخست آلت جنگ را دست برد
در نام جستن به گردان سپرد
به فر کیی نرم کرد آنها
چو خود و زره کرد و چو جوشنا^۱

اهمیت ارتش در اسطوره‌های ایرانی به شکلی است که نظامیان همراه به عنوان یک گروه مهم در حکومت‌ها جایگاه خود را پیدا کرده‌اند:

صفی بر دگر دست بنشانند
همی نام نیساریان خوانند^۲
کجا شیر مردان جنگ آورند
فروزنده‌ی لشکر و کشورند
کز ایشان بود تخت شاهی به جای
در ایشان بود نام مردی به پای^۳

در اندیشه‌های مذهبی و اسطوره‌ای ایران نیز به خدایانی مانند ایندره بر می‌خوریم که با وجود اینکه خدای باران‌های سیلابی می‌باشد، خدای جنگ و نبرد نیز به شمار می‌آید.^۴ از دیگر خدایان ایرانی که برای ایشان جنگ و جنگ آوری توصیف شده است خدای مهر یا میترا است. او اگر چه از خدایان قبل از ظهور زرتشت است ولی با وجود این به عنوان یکی از خدایانی که دارای نیروی جنگ و جنگ آوری است در اوستا و در بخش یشتها، مهر با گردونه‌ای توصیف می‌شود که هزار تبرزین دو تیغه، هزار نیزه‌ی خوش ساخت، هزار خنجر، چند هزار گرز آهنین و همچنین گرز زیبای سبک پرتابی با چند تیغه دارد.^۵ مهر «میترا» با توجه به جنگ آوری و سلحشوریش، گردونه اش به شکلی است که نه تنها برای راندن در مسیر آسمانی و مسیری که خورشید تعیین می‌کند بلکه این گردونه انباشته از سلاح‌های کشنده نیز می‌باشد.^۶ در خود آیین مهر نیز توجه خاصی به مسالهی جنگ و ارتش شده است. چنانکه سومین مقام و مرتبه از مراتب آیین مهری، سربازی است. سربازان و جنگ آوران در هنگام جنگ از مهر یاری می‌جویند و معتقدند که مهر در کنار آن‌ها مشغول جنگ است. علامت و نشان سرباز در آیین مهر، جامه و لباس قهوه‌ای رنگ، کوله پشتی، کلاه خود و نیزه بود. آن‌ها در هر دو جبهه جنگ یعنی هم برای خود و کشور و توسعه‌ی آن و هم با نیروی اهریمنی نفسانی می‌جنگیدند.^۷ در آیین مهر آن چنان مسالهی جنگ و نظامی‌گری اهمیت یافت که مهر در نگاره‌های پس از دوران اولیه این آیین، دیگر سوار بر گردونه نیست بلکه سوار بر اسب که مرکب اصلی جنگی آریایی است نشان داده می‌شود. در نقش برجسته‌هایی در آلمان و دیوار نگاره‌ها در دورا اورپوس، میترا سوار بر اسب نشان داده شده است.^۸ اهمیت نظامی‌گری در

۱. همان ص ۱۴

۲. همان

۳. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۱.

۴. اوستا، نگارش جلیل دوستخواه، تهران، نشر مروارید، ۱۳۴۳، ص ۲۳۱

۵. رضی، هاشم، آیین مهر، تهران، نشر بهجت، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸.

۶. همان، ص ۵۶۸

۷. دین مهر، در جهان باستان، مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی، تهران، ترجمه مرتضی

این آیین به شکلی است که لقب اصلی مهره و یاخنه، به معنای از آن جنگ و از آن نبردگاه می‌باشد و مردم در هنگام درخواست نبرد برای اسب که چارپای اصلی جنگی آنان بود به سوی مهر نیایش می‌کنند. میترا خود دارای یک جنگ افزار ویژه سیمینی به نام فرشته می‌باشد.^۱

در اندیشه‌های زرتشتی گذشته از توصیف مهر به عنوان خدای جنگ آوری، در موارد دیگری نیز به جنگ و اندیشه‌های نظامی گری توجه شده است. چنانکه در یسنا آمده است «که به رزم گمراه کننده‌ی ناپاک و تباه کننده‌ی زندگی که گفتار این آیین را در، یاد دارد اما در کردار نیاورد رزم افزا بگیر». ^۲ همچنین در یشتها آمده است «فروهرهای نیک توانای پاک پارسایان را می‌ستایم آن نامداران که در رزم پیروزمند و بسیار نیرومندند آنان که سپاه بی شمار و رزم افزار بر میان بسته، با درفش‌های بر افراشته‌ی درخشان بیارایند». ^۳

این سخنان کاملاً مشخص می‌نماید که زرتشت از جنگ و نظامی گری و حتی تدارک ارتش منظم سخن می‌گوید. او در جای دیگر از اوستا اشاره می‌کند که «بهرام را می‌ستایم که مردمان را دلیر سازد و برای بدخواهان مرگ آورد و گرشاسب را که از دلهای زرد رنگ که فرو برنده‌ی مردان و اسبان بود بکشت». ^۴ با وجود توصیف‌های زرتشت از جنگ و ارتش، بیشتر اندیشه‌هایش در ارتباط با جنگ بین خیر و شر و یا همان نیکی و بدی است چنانکه اشاره می‌کند «سپند مینو و اهریمن برای به چنگ آوردن فر به دست نیامده کوشیدند و هر یک چالاک‌ترین تیر خویش را از پر گسیل داشتند و سرانجام منش بد شکست خواهد خورد و منش نیک بدان پیروز خواهد شد». ^۵ زرتشت حتی در اوستا در کنار اندیشه‌های نظامی به توصیف آلات نظامی نیز پرداخته است. چنانکه در مهر یشت آمده است که او دارای نیزه‌های تیز بلند دسته، فلاخن، خنجرهای خوب، تیرهای که با پر شاهین آراسته شده و زه کمان سخت کشیده شده است. ^۶ زرتشت در مبارزه‌ی میان ارتش شر و خیر حامی کسانی است که «نیک‌اندیش، نیک گفتار و نیک کردارند. هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند و خشم خونین افزار بی‌خرد در برابر آنان رو به گریز نهد و راستی بر دروغ چیره می‌شود». ^۷ او سرانجام آرزومند است به کمک ارتشی از مردان پاک بر بدکاران چیره گردد. ^۸

نایب‌فر، نشر توس، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰.

۱. رضی، همان، صص ۷۳ و ۷۰.

۲. اوستا، ص ۱۲۱

۳. همان، صص ۲۴۷ و ۲۴۶.

۴. همان، صص ۲۹۶ و ۲۷۶.

۵. همان، صص ۳۱۰ و ۲۹۸.

۶. همان، ص ۲۰۴.

۷. همان، ص ۳۱۰.

۸. همان، ص ۳۰۱.

در مهم‌ترین اثر مربوط به اسطوره‌های ایران یعنی شاهنامه فردوسی، جدای از اهمیت تشکیل ارتش به انگیزه‌های افراد جهت پیوستن به ارتش‌ها به شکل‌های گوناگون توجه شده است. چنانکه گاهی پیوستن به ارتش و تحریک نظامیان با انگیزه‌ها و محرک‌های درونی و فراتر از انگیزه‌های مادی مانند اجرای عدالت، وطن دوستی و فراتر از کشور گشایی به وسیله‌ی ارتش‌ها است و گاهی نیز ارتش و به ویژه ارتش‌های دشمن با انگیزه‌های مادی، غارتگرانه و حتی نقش ارتش در ظلم و ستم به مردم می‌باشد. چنانکه نظامیان گاهی مجریان اصلی دستورات ظالمانه و ستمگرانه مانند آنچه در^۱ داستان ضحاک می‌خوانیم، بودند:

زیبیدادگر شاه و زلشکرش وز آن رسم‌های بداندرد خورش^۱

گاهی نیز جنگ با تحریک سپاهیان به وسیله‌ی انگیزه‌های مادی و گسترش قلمرو است چنانکه در داستان افراسیاب آمده است:

در گنج بگشاد و روزی بداد دلش پر ز کین سرش پُر زیاد
گله هر چه بودش به دشت و کوه ببخشید بر لشکرش همگروه^۲

همچنین در داستان پسران فریدون که شاید آغازی بر جنگ‌های ایرانیان و تورانیان باشد نقش جنگ و ارتش در گسترش قلمرو است:

و گرنه سواران ترکان و چین هم از روم گردان جوینده کین
فراز آورم لشکر گرزدار از ایران و ایرج بر آرم دمار^۳

در کنار این تحریکات و تشکیل ارتش با انگیزه‌های مادی و گسترش قلمرو، گاهی نیز ارتش و جنگ در راستای انگیزه‌های فراتر از انگیزه‌های مادی ظاهر می‌شود. چنانکه در داستان فریدون و ضحاک می‌بینیم که:

کنون کردنی کرد جادو پرست مرا برد باید به شمشیر دست
پیویم به فرمان یزدان پاک بر آرم زایوان ضحاک خاک^۴

در شکست کیکاووس در جنگ با پادشاه‌ها ماوران نیز فرستاده‌ای که به سوی رستم می‌آید تلاش دارد تا با محرک‌های غیر مادی او را به پیوستن به ارتش برانگیزد:

که ما را زبدها تو باشی پناه چو گم شد سر تاج کاووس شاه
دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود

۱. فردوسی، همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۲۹۶.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۱۹.

همه جای جنگی سواران بدی
نکون جای سختی و رنج و بلاست
این انگیزه‌های غیر مادی در نزد دشمنان ایران نیز به چشم می‌خورد افراسیاب در جنگ با کیخسرو از این انگیزه‌ها سود می‌جوید:

زخون برادرش فرشید ورد
کنون گاه کین است و آویختن
هم رنج و مهر است و هم درد و کین
فردوسی با وجود پرداختن به اندیشه‌ی نظامی‌گری و تشکیل ارتش، باز هم تلاش دارد که از جنگ بیهوده بهره‌زد و جنگ را در جهت اجرای عدالت می‌داند چنانکه منوچهر به نظامیان‌ش اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم را توصیه می‌کند:

شما گر همه کینه دار منید
همه مهر جوید و افسون کنید
از این پس به خیره مرزید خون
همچنین در داستان رستم و اسفندیار تلاش می‌شود که از جنگ بیهوده پرهیز گردد:

چنین گفت رستم به آواز سخت
از این گونه مستیز و بدرامکوش
بترس از جهاندار یزدان پاک
من امروز نی بهر جنگ آمدم
فردوسی حتی در شاهنامه به آلات و ابزار نظامی و چگونگی ترتیب ارتش نیز پرداخته است:

همان اسب تازی برزین عذار
کلاه و کمر هم نبودش دریغ^۶
که با شاه باشد سپه را ستون
چو شاپور نستوه بر دست راست^۷

۱. همان، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۲۹۶.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۳۹۶.

۵. همان، ص ۴۰۱.

۶. همان، ص ۲۴.

۷. همان، ص ۶۹.

جدای از اندیشه‌های مذهبی اولیه و اسطوره‌ای و یا اندیشه‌های زرتشت، جامعه‌ای آریایی نیز از همان آغاز شامل طبقاتی مانند روحانیون، جنگجویان و گله داران کشاورز بود.^۱ کم کم طبقات جنگ آور و جنگجو قدرت بیشتری نیز یافتند زیرا زندگی شبانی و بیابانگردی همراه با خطرات دائمی در مبارزه با دشمنان، اهمیت طبقه‌ی جنگجو را بیشتر می‌کرد. در ایران دوره‌ی آریایی هر چه به اواخر دوره‌ی باستان نزدیکتر می‌شویم اهمیت ارتش در مباحث نظری نمود بیشتری می‌یابد. به ویژه در دوره‌ی ساسانی این مساله کاملاً مشخص می‌گردد. ساسانیان جهت پیوند دین و دولت و از میان بردن حکومت‌های ملوک الطوایفی به ارتش و مبنای آن توجه خاصی داشتند. چنانکه طبری در ذکر به قدرت رسیدن اردشیر بابکان از جنگ‌های او با پادشاهان سخن می‌گوید که منظور همان حکومت‌های ملوک الطوایفی است.^۲ فردوسی نیز اشاره دارد:

به درگاه چون خواست لشکر فزون	فرستاده بر هر سوی رهنمون
که تا هر کسی را که دارد پسر	نماند که بالا کند بی هنر
سواری بیاموزد و رسم جنگ	به گرز و کمان و به تیر خدنگ
ز کشور به درگاه شاه آمدند	بدان نامور بارگاه آمدند
نوشتی عرض نام دیوان اوی	بیاراستی کاخ و ایوان اوی ^۳

اهمیت ارتش در دوره‌ی ساسانی چنان است که در مبنای نظری، دوام و استحکام حکومت را از آن می‌دانند. انوشیروان اعلام می‌دارد «مملکت سپاه نگاه دارد و سپاه را از خواسته چاره نیست و آن خواسته از رعیت باید ستن و آن وقت که به سپاه حاجت آید اگر از رعیت ستانی، در آن شتاب بر رعیت حمل مؤنت افتد».^۴ به واقع انوشیروان سر سلسله‌ی همه امور در جامعه و دوام حکومت را ارتش می‌داند.

در ادیان و آیین‌های دوره ساسانی نیز به مساله‌ی جنگ و ارتش توجه شده است با این تفاوت که در بیشتر این آیین‌ها مانند مانویت، جنگ و نبرد با شر و تاریکی است و جنگجویان مجهز می‌شوند تا با نیروی شر و تاریکی و با اسلحه‌ی نور و روشنائی نبرد کنند. این اسلحه همان نفس و روح انسانی است. در نبردهایی که مانی توصیف می‌کند، جنگجویان شکستی داوطلبانه می‌پذیرند تا بتوانند با ورود به دنیای

۱. شهبازی، علیرضا، ارتش در ایران باستان، مجله باستان‌شناسی، شماره دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۷۵، ص ۲۲.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبرسی، (الرسول و الملوك)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۸۵، صص ۵۸۴-۵۸۰.

۳. فردوسی، همان، ص ۴۶۹.

۴. بلعمی، ابوعلی محمد، تاریخ بلعمی به اهتمام محمدجواد مشکور، نشر خیام، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۷۰ و مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴، ص ۲۶۴.

تاریکی برای آن شکست آماده تر گردند.^۱ دراندیشه‌های مزدکی نیز نبرد بر سر آن است که از اهمیت و منافع طبقات بالای جامعه کاسته شود و جالب آن که جنگ‌آوران دوره‌ی ساسانی خود از طبقات بالا بودند که در این نبرد از منافع آن‌ها جهت طبقات محروم باید کاسته می‌گردید.^۲

در آثار بازمانده از دوره‌ی ساسانی که در دوره‌ی اسلامی برای خلفای عباسی ترجمه گشت آثاری راجع به مبانی ارتش وجود دارد. از آن جمله کتاب آیین نامه که هر چند مربوط به بازی چوگان است ولی بخش‌هایی از آن کتاب به بحث در مورد چگونگی قرار گرفتن سربازان در جناح‌های مختلف ارتش، قرار گرفتن سواران در صف مقدم، انتخاب محل مرتفع برای قرار گرفتن قلب لشکر و همچنین چگونگی آغاز حملات و حالات دفاعی و تهاجمی با نفرات زیاد و کم و با تجربه و بی تجربه پرداخته است.^۳ از سوی دیگر چوگان خود ورزشی نظامی است و مسائلی در آن مانند حفظ تعادل سوارکار در هنگام ضربه زدن کمک می‌نمود تا نظامیان برای میدان‌های جنگ آماده تر گردند. از دیگر آثار مهم دوره‌ی ساسانی در مورد مبانی نظری ارتش می‌توان به کار نامه‌ی اردشیر بابکان اشاره نمود که هر چند اثری نیمه افسانه‌ی است ولی در آن به خوبی به ابزارهای نظامی رایج، شیوه‌ها و ترتیب قرارگیری نظامیان و همچنین تنوع جمعیتی ارتش‌ها اشاره شده است.^۴

مبانی نظری ارتش در ایران دوره اسلامی تا پیش از صفویه

ایرانیان از همان آغاز گسترش اسلام در ایران در آثاری مانند قرآن کریم و نهج البلاغه با مبانی جنگ، جهاد و ارتش آشنا شدند. چنانکه در آیات متعددی از قرآن به مساله‌ی جهاد، اهمیت آن، انگیزه‌های جهاد و پاداش‌های اخروی و معنوی می‌داند و حتی یکی از ویژگی‌های انسان‌های هدایت شده را جهاد کردن آن‌ها در راه خدا با مال و جان معرفی می‌کند.^۵ همچنین در قرآن انگیزه‌های جهاد و تشکیل ارتش، از بین بردن کفر و فساد و مبارزه با منافقین است و از مردم خواسته شده که با آلات جنگی، اسبان سواری و به طور کلی مجهز به سوی دشمن حرکت کنند.^۶ همچنین در قرآن حدود و حریم جهاد و حتی به مسائلی مانند عدم جنگ و لشکرکشی در ماه‌های حرام و مسجد الحرام نیز پرداخته شده است.^۷ در قرآن

۱. ویدن گزن، تتو، مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶، صص ۷۰-۶۹.

۲. نژاد اکبری مهربان، مریم، شاهنشاهی ساسانیان، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه، ۱۳۸۶، صص ۱۷۹ و ۱۷۴.

۳. اینو ستر انتسلف، کنستانتین، مطالعاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، صص ۵۵ و ۵۴.

۴. کارنامه اردشیر بابکان، به اهتمام قاسم هاشمی‌نژاد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۹، صص ۴۴ و ۳۹.

۵. قرآن، سوره توبه، آیات ۴۴ و ۲۰، سوره بقره آیات ۲۱۶، ۲۴۴، ۲۷۱، سوره نسا، ۷۴، سوره انفال آیات ۷۵ و ۷۴ و سوره عنکبوت آیه‌ی ۶۹.

۶. قرآن، توبه، آیه ۴۱، انفال، آیات ۳۳ و ۳۹، نسا آیه ۷۱، تحریم، آیه ۹، محمد، آیه ۷.

۷. قرآن، توبه، آیه ۳۶، بقره، آیه ۱۹۱.

در کنار جنگ و تشکیل ارتش تلاش برای ایجاد صلح نیز می‌باشد.^۱

در نهج البلاغه نیز به مساله‌ی جنگ و ارتش در ابعاد مختلفی توجه شده است. در این اثر به انگیزه‌ها و دلایل تشکیل ارتش، تاکتیک‌های نظامی و خصوصیات نظامیان پرداخته شده است. امام علی (ع) همچنین دلایل جنگ و تشکیل ارتش را دفاع از دین،^۲ نابودی گروهی مانند بنی امیه،^۳ دور کردن ظلم و ستم و نابودی باطل،^۴ وسیله‌ای برای ذلت و خواری دشمنان^۵ و پیکار با پیمان شکنان می‌داند.^۶ او همچنین شرکت در ارتش و جهاد را به عنوان قله‌ی بلند اسلام^۷ و لباس تقوا و سپر مطمئن خداوند معرفی نموده است و ترک آن را موجب ذلت و خواری و معصیت می‌داند.^۸

امام علی (ع) همچنین به تاکتیک‌های مهم نظامی مانند عقب نشینی ساختگی برای هجوم دوباره به دشمن،^۹ تحریک معنوی سربازان قبل از جنگ،^{۱۰} قرار گرفتن زره پوشان پیشاپیش لشکر^{۱۱} و آموزش اصول جنگی مانند عدم آزار فراریان و مجروحان می‌پردازد.^{۱۲} او همچنین در نامه‌ی خود به مالک اشتر حتی خصوصیات فرماندهان نظامی مانند خیرخواهی، پاکدامنی، شکیبایی، دیر به خشم آمدن، مهربانی با ناتوانان و برخورد با قدرتمندان را ذکر می‌کند.^{۱۳} با وجود همه‌ی تاکیدات امام علی در نهج البلاغه بر تشکیل ارتش و جهاد باز هم او از شروع جنگ و شتاب در جنگ، سربازان را بر حذر می‌دارد.^{۱۴}

در ایران دوره‌ی اسلامی بسیاری از متفکران و اندیشمندان مسلمان مانند ماوردی فارابی، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و فضل الله بن روز بهانی خنجی به مساله‌ی ارتش توجه نموده‌اند. فارابی بهترین جامعه را مدینه‌ی فاضله می‌داند و از دیدگاه او ریاست مدینه‌ی فاضله باید دارای جسم قوی و آگاه به فنون جنگ باشد و بتواند وارد میدان‌های جنگ شود.^{۱۵} او تاکید دارد که ریاست آرمان شهر مورد

۱. قرآن، انفال، آیه ۶۱ بقره، آیه ۱۹۲.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات اشکذر، ۱۳۸۹، ص ۳۶۵.

۳. همان، ص ۳۹۵.

۴. همان، صص ۴۷۵ و ۵۵.

۵. همان، ص ۷۵.

۶. همان، ص ۳۸۷.

۷. همان، ص ۱۴۹.

۸. همان، ص ۵۱.

۹. همان، ص ۲۵۳.

۱۰. همان، صص ۲۳۱ و ۱۶۷.

۱۱. همان، ص ۱۶۷.

۱۲. همان، ص ۲۵۳.

۱۳. همان، ص ۴۰۹.

۱۴. همان، ص ۲۶۷.

۱۵. نعمه، عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.

نظرش باید دارای هنر جنگی باشد به صورتی که هم به عنوان یک سپاهی و هم فرمانده جنگی فعالیت کند^۱ و جنگی که با رهبری او باشد جنگی عادلانه و شرافتمندانه می‌داند.^۲ او همچنین اعتقاد دارد که ریاست مدینه‌ی فاضله، مجری و رواج‌دهنده‌ی شرایع و قوانین است.^۳ او در بحث فضایل عملی انسان، معتقد است که تحصیل فضایل گاهی از طریق تعلیم و گاهی از طریق تادیب است و در بخش تادیب ممکن است برخورد با طاغیان و متمردان باشد که انسان گاهی ناگزیر از انجام آن است.^۴ مسلماً اجرای قوانین و برخورد با طاغیان و متمردان بدون داشتن نیروی نظامی قوی امکان‌پذیر نیست.

او همچنین بر سلامتی بدن انسان و داشتن جسم قوی تاکید داشته است و حتی دستوراتی جهت سلامتی بدن ذکر می‌کند.^۵ در واقع امور نظامی نیز مستلزم داشتن جسم قوی و سلامتی است و دستورات فارابی از این رو می‌تواند به داشتن ارتشی با افراد قوی و نیرومند منجر شود.

ماوردی از دیگر متفکران مسلمان است که بارها به مساله‌ی ارتش و جنگ در مهم‌ترین اثرش یعنی احکام السلطانیه پرداخته است. در دیدگاه او رسیدگی به امور ارتش از مهم‌ترین وظایف وزیر تنفیذ است و از آن به عنوان تجهیز الجیوش نام می‌برد.^۶ به علت اهمیت ارتش در دیدگاه او بابتی در رابطه با جهاد دارد و در آن باب به بررسی مسائل مربوط به اداره‌ی ارتش و جنگ پرداخته است. او با توسل به آیات قرآن به شرح ضرورت جهاد و تجهیز ارتش پرداخته و به ویژه جنگ با مشرکانی که از پذیرش اسلام سرباز می‌زنند از مهم‌ترین علل تشکیل ارتش می‌داند.^۷ همچنین او اهمیت ارتش را گذشته از نبرد با مشرکان، نبرد با اهل فساد، راهزنان و طایفه‌ای از مسلمانان می‌داند که حاضر به اطاعت و همراهی با جمیع مسلمانان نیستند.^۸ اهمیت مبانی ارتش در دیدگاه او به شکلی است که حتی به مساله‌ی تقسیم غنائم و حقوق نظامیان و نقش فرماندهان و وظایف آنان^۹ و حتی عدم تجاوز سپاهیان به زنان و کودکان و عدم تجاوز آنان از حدود و احکام الهی پرداخته است.

ماوردی به مسائلی مانند انتخاب میدان مناسب جنگ، نزدیکی میدان به چراگاه و دسترسی آسان سپاهیان به آب و آذوقه نیز توجه نموده است.^{۱۰} این متفکر مسلمان حتی در باب مربوط به وظایف امام

۱. جمشیدنژاد، غلامرضا، آرمان شهر فارابی، تهران، نشر همشهری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲.

۲. ظریفیان، غلامرضا، دین و دولت در اسلام، تهران، نشر میراث ملل، ۱۳۷۶، ص ۲۷.

۳. داوری اردکانی، رضا، فارابی. فیلسوف فرهنگ، تهران، نشر ساقی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱.

۴. همان، ص ۱۴۶

۵. فارابی، التنبیه علی سبیل السعاده، به کوشش جعفر آل یاسین، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱، ص ۸۵

۶. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الحکام السلطانیه، تحقیق محمدجاسم الحدیثی، بغداد، مطبعه المجمع العلمی،

۲۰۰۱، ص ۱۰۱

۷. همان، صص ۱۲۱ و ۱۱۹ و ۱۲۶

۸. همان، صص ۱۹۴-۱۸۴

۹. همان، صص ۱۵۶ و ۱۳۵

۱۰. همان، صص ۱۴۱ و ۱۳۷ و ۱۴۳

نیز باز هم به مبانی ارتش توجه نموده و حفظ سرزمین‌های اسلامی از تهدیدات خارجی و آشوب‌های داخلی به صورتی که مردم آزادانه و بدون مخاطره بتوانند امرار معاش کنند از وظایف امام می‌داند.^۱ مسلماً انجام چنین وظیفه‌ای بدون داشتن یک ارتش قوی غیر ممکن است. او در این باب به مسائلی مانند حفاظت از مرزها توسط ارتش و تهیهی آذوقه و مهمات برای نگهبانان مرزی نیز توجه نموده است.^۲ از دیگر متفکران مسلمانی که در آثار خود به مسئله‌ی ارتش پرداخته‌اند امام محمد غزالی است. غزالی نیز به مانند ماوردی در باب وظایف امام به مسئله‌ی ارتش توجه نمود. او یکی از خصوصیات و ویژگی‌های داوطلب امامت را داشتن توانایی نه تنها در اداره‌ی امور کشوری بلکه اداره‌ی امور لشکری می‌داند^۳ و در تداوم بحث امامت، اجرای حدود که از مهم‌ترین آن‌ها مجازات طغیان کنندگان علیه حکومت است را برمی‌شمارد.^۴ او همچنین به چگونگی تقسیم غنائم بین سپاهیان و حتی باز خرید نظامیانی که در جنگ اسیر شده‌اند توجه دارد. هر چند در دیدگاهش راه مسالمت آمیز را بر جنگ ترجیح می‌دهد.^۵

غزالی در مهم‌ترین اثری که به مساله‌ی جنگ و جهاد و تشکیل ارتش پرداخته است تحفه الملوك است که آن را در اوج جنگ‌های صلیبی نوشت. به واقع این اثر یک جهاد نامه است که سلطان را در زمانی به جهاد دعوت می‌کند که تمامیت اسلام در خطر است و حتی تاکید دارد که مسائلی مانند اختلافات بین شافعی و حنفی نادیده گرفته شود.^۶

در قرون بعد و با وجود حملات ویرانگر مغول در زمان چنگیز خان و نوه اش هلاکو، متفکری مانند خواجه نصیرالدین طوسی که خود در دستگاه اداری مغول فعالیت دارد به مساله‌ی ارتش پرداخته است و نگاه او به شکلی است که ارتش مغول را از آسیب‌های جدی به مردم دور نگه داشته، نیروی گریز از مرکز آن‌ها را مهار کند. او در آثار خود به رفاه لشکریان توجه دارد و در نصیحت خود به ابا قاخان دادن سلاح، چارپای و علوفه را به لشکر و تعجیل در آراسته کردن آن‌ها برای مبارزه با یاغیان را خواستار می‌شود.^۷ او در کنار رسیدگی به اهل قلم یعنی علما، فقها، قضات، مهندسان، منجمان، شعرا و اطبا و رسیدگی به اهل معامله یعنی تجار و صاحبان حرف و رسیدگی به وضع اهل زراعت یعنی کشاورزان خواستار رسیدگی به اهل شمشیر یعنی نظامیان است و رسیدگی به وضعیت آن‌ها را باعث قوام و دوام

۱. لائوست، هانری، سیاست و غزالی، ج ۲، ترجمه مهدی مظفری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص

۳۸۴

۲. همان، ص ۳۸۵

۳. همان، ص ۳۶۵

۴. همان، ص ۳۸۵

۵. همان، ص ۳۹۶

۶. زرین کوب، عبدالحسین، فرار از مدرسه، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴

۷. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴، تهران، نشر نگاه، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸

ملک می‌داند.^۱ خواجه نصیر حتی در رساله‌ی معروف گشایش نامه با توسل به حدیث نبوی الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم، نابودی ظلم و دوام ملک را در رعایت عدالت و انجام آن را وابسته به ارتش و تاکید بر رسیدگی فراوان به نظامیان دارد.^۲

فضل الله بن روز بهان خنجی که مورخ و متفکر دربارهای آق قویونلو و ازبکان است در اثری به نام سلوک الملوک به مساله‌ی ارتش توجه نموده است و در مورد مسائل مختلف ارتش مباحثی ارائه نموده است. او در این مباحث به مساله اقطاعات و همچنین دارالاسلام و دارالحرب پرداخته است^۳ و تلاش نموده با دیدگاه‌های اهل سنت و به ویژه حنفی و شافعی به ضرورت تشکیل ارتش بپردازد. چنانکه او اعلام می‌دارد «که هر گاه امام لشکری را فرستد به جنگ کافران باید کسی را برایشان امیر سازد و امر کند ایشان را به اطاعت او و بیعت گیرد که فرار نکنند و مردم را ترغیب کند به جهاد».^۴ او حتی در باب مسائل جزئی مانند اهمیت نصب منجیق، تیرباران و سنگ باران دشمن و حتی قتل و غارت آن‌ها در شرایط خاصی سخن می‌گوید و به بحث در مورد نقش زنان در جهت اموری مانند پرستاری، آوردن آب، طبخ غذا و به طور کلی امور تدارکاتی ارتش پرداخته است.^۵ خنجی در اثر خود به مساله‌ی اسرا و غنائم پرداخته است و قتل و غارت توسط لشکریان و حتی قتل اسرا توسط لشکریان مسلمان را بدون مجوز امام، مستوجب دیه و قصاص نمی‌داند و تنها مالی که امام معین می‌کند باید پرداخت کنند و آن هم به صورت غنیمت دوباره بین مسلمانان تقسیم می‌گردد.^۶ جالب آنکه خود او در صفحات بعد به نقل از پیامبر از عدم قتل عام زنان و کودکان و اسرا سخن گفته است.^۷ شاید خنجی تحت تأثیر اوضاع ایران، در آستانه به قدرت رسیدن صفویه تلاش داشته است تا خشونت حکام اهل سنت را توجیه کند.

گذشته از متفکران و اندیشمندان مسلمان در سیرالملوک و اندرز نامه‌های دوره اسلامی نیز که بیشتر توسط دیوانسالاران نوشته شده است به مساله‌ی ارتش توجه خاصی شده است. از مهم‌ترین سیرالملوک‌ها و اندرزنامه‌ها می‌توان از سیاست‌نامه و قابوس نامه نام برد. قابوس نامه اثری است که عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر برای پسرش گیلانشاه نوشت و در میان ۴۴ باب کتاب، دو باب را به مساله‌ی ارتش اختصاص داده است. او در این اثر به پایداری در جنگ و بالعکس زمان عدم کوشش برای جنگ کردن توجه دارد.^۸ از دیدگاه او تشکیل ارتش و به تبع آن جنگ جهت احقاق حق است و در عین

۱. همان، ص ۱۸۱.

۲. دو رساله در اخلاق، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۲۶.

۳. روزبهان خنجی، سلوک الملوک، به کوشش محمدعلی موحد، تهران، نشر خوارزمی، ۱۳۶۲، صص ۳۰۷ و ۳۰۶.

۴. همان، صص ۴۰۴ و ۴۰۳.

۵. همان، صص ۴۰۲، ۳۹۵ و ۴۰۳.

۶. همان، ص ۴۰۵.

۷. همان، ص ۴۱۰.

۸. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، قابوسنامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

حال ارتش را از ریختن خون بی‌گناهان به شدت برحذر می‌دارد و اعلام می‌دارد: «که به خون ناحق دلیر مباش و خون هیچ مسلمان حلال مدار الا خون صلوکان و دزدان و خون کسی که از روی شریعت قتل او واجب شود که بالای جهانی در خون ناحق بسته بود و پیوسته».^۱ او در فصلی اختصاصی به ویژگی‌های سپهسالاران می‌پردازد که «سپهسالار باشی با لشکر محسن باش و هم از جانب خویش نیکویی کن و هم از خدا نیکویی بخواه روزی که جنگ باشد بر میمنه و میسر، سالاران جنگ آزموده و جهان‌دیده فرست و شجاع‌ترین سالاران اندر جناح لشکر که پشت لشکر به ایشان باشد».^۲ او حتی به فرستادن جاسوس در میان ارتش دشمن تاکید دارد.^۳ این مطالب حاکی از آن است که او به اصول جنگ آشنایی کامل داشته است و توصیه می‌کند که «لشکر خویش را همیشه دل خوش نگه دار اگر خواهی از جان دریغ ندارند یک لقمه نان و یک قدح ننید بی لشکر مخور».^۴ خواجه نظام‌الملک وزیر بزرگ دربار سلجوقی و به ویژه در دوره ملک‌شاه در سیاست‌نامه به مبانی ارتش پرداخته است و انگیزه‌ی توجه او به لشکر ایجاد امنیت و گسترش قلمرو می‌باشد. چنانکه اشاره می‌کند «هر پادشاهی را لشکر بیشتر بودی ولایت بیشتر و هر که را لشکر کمتر، ولایت کمتر. آن گاه که از لشکر بکاهد از ولایت بکاهد».^۵ این سخنان خواجه نظام‌الملک به این دلیل است که بسیاری از درباریان ملک‌شاه اعتقاد به کاهش تعداد سپاهیان و هزینه کردن مخارج آن‌ها در دربار بودند در حالی که خواجه اعتقاد داشت کم شدن تعداد نظامیان باعث جلب آن‌ها به سوی دشمن و یا شورش و خود سری آن‌ها می‌شود.^۶ او حتی به مسائل مختلف ارتش و به ویژه پرداخت حقوق آن‌ها توجه خاصی داشته است و معتقد بود که می‌توان با اقطاع داری به پرداخت حقوق آن‌ها اقدام کرد و در صورت نبود اقطاع باید پادشاه خود به موقع و به بهترین وجهی حقوق و مزایای لشکریان را پرداخت کند.^۷

همان طور که در دوره ایران باستان، آثار اختصاصی مانند آیین نامه در مورد چوگان و امور نظامی نوشته شد. در ایران دوره اسلامی نیز آثاری به این امر اختصاص یافت که از مهم‌ترین آن‌ها کتاب آداب الحرب و الشجاعة اثر محمد بن منصور بن سعید معروف به مبارکشاه و فخر مدبر است مبارکشاه در قرن ششم هجری در اثر خود و به ویژه از باب هفتم تا پایان آن اثر مطالبی را به مبانی ارتش اختصاص داده است و در مورد جنگ، فضیلت و ثواب سلاح و به کار بستن آن، چگونگی عرض کردن لشکر و لشکرگاه،

۱۳۴۵، صص ۹۹ و ۹۸.

۱. همان، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. همان، ص ۲۲۵.

۵. خواجه نظام‌الملک، سیاست‌نامه، به تصحیح عباس اقبال، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸.

۶. کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۴، صص ۶۴ و ۶۳.

۷. خواجه نظام‌الملک، همان، ص ۱۲۳.

امور مربوط به جاسوسی و شبیخون زدن‌ها شیوه‌های آرایش نظامیان توسط پادشاهان عجم، رومیان، ترکان و هندوان و حتی چگونگی حصارها مطالبی ذکر کرده است. اهمیت ارتش و جنگ در دیدگاه او به صورتی است که حتی نویسنده تلاش کرده با ذکر روایاتی از پیامبر اکرم و بزرگان این مساله را توجیه کند. چنانکه پیامبر به یکی از ثروتمندان اشاره می‌کند که اگر شش هزار دینار در راه خدا خرج کنی به ثواب یک خواب غازی نرسی^۱ و همچنین او به قول سلمان و به نقل از پیامبر آورده است که به مجاهدان اسلامی در قلعه‌ای از قلاع پارس گفت که هر که یک روز در ثغری باشد بهتر از روزه‌ی یک ماهه است.^۲ مورخان دوره‌ی اسلامی نیز تلاش کردند با پرداختن به مبانی ارتش حتی از آن ابزاری برای کسب مشروعیت حکام و توجیه اعمال آن‌ها بسازند. چنانکه یزدی مورخ دوره تیموریان تلاش می‌کند حملات تیمور به هند را جهاد با کفار نشان دهد و اعلام می‌دارد که گروهی از مسلمانان به تظلم و دادخواهی به درگاه تیمور آمدند و گفتند که ما جماعتی مسلمان هستیم و «کافران هر سال میانی مال از ما می‌ستانند و باج و خراج می‌طلبند و مردان را به قتل آورده و زنان و فرزندان را اسیر می‌کنند پس آن حضرت که تقویت دین و مبارزه با کفار را وجهه‌ی همت خود قرار داده بود بی توقف روی به دفع کفار نهاد».^۳

ارتش در ایران قبل از صفویه

ارتش در ایران باستان: ایران پیش از ورود آریایی‌ها

همان‌طور که در مبانی نظری ارتش ذکر شد ارتش در اسطوره‌های ایرانی مورد توجه قرار گرفته است و در بسیاری از این اسطوره‌ها، چگونگی استقرار ارتش، جمع‌آوری نیروها، تحریک سپاهیان، ابزار جنگی، دفاع و تقسیم‌بندی‌های ارتش ذکر گردیده است. این مسائل بعدها در تاریخ ایران باستان نمود عینی و واقعی به خود گرفته است و اهمیت آن‌ها از این جهت است که همین شیوه‌ها و روش‌ها در دوره باستان به تکامل رسیده، در دوره‌ی اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. چنانکه در شاهنامه فردوسی تقسیم‌بندی نیروهای نظامی به صورت میسر، میمنه و قلب سپاه می‌باشد و مهم‌ترین بخش را قلب سپاه تشکیل می‌دهد. فردوسی در داستان کیکاووس و لشکرکشی او به مازندران چنین می‌سراید که:

ابر میمنه طوس نوذر به پای	دل کوه پرنااله‌ی کرونا‌ی
چو گودرز کشواد بر میسر	شده کوه آهن زمین یکسر

۱. محمد بن منصور بن سعید «مبارکشاه»، آداب الحرب و الشجاعة، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، نشر اقبال، ۱۳۴۶، ص ۴۹۳.

۲. همان، ص ۳۹۵.

۳. یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه، ج ۲. تصحیح محمد عباسی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۳۶، ص ۲۳.

سپهدار کواووس در قلبگاه
زهر سو رده بر کشیده سپاه^۱

همچنین در جای دیگر عنوان می‌کند که:

سوی میمنه پور کشواد بود
که با جوشن و گرز و پولاد بود

فریبرز بر میسره جای جست
دل نامداران ز کینه بشست

به قلب‌اندرون طوس نوذر به پای
نماند آن زمان بر زمین نیز جای^۲

همچنین اشاره فردوسی در چگونگی جمع‌آوری نیروهای جنگی، احتمالاً بیانگر شکل ارتش در حکومت‌های ملوک الطوایفی باشد و بزرگان و حاکمان مناطق مختلف در مواقع ضروری اقدام به فرستادن نیرو برای پادشاه می‌نمودند. چنانکه در داستان کیخسرو آمده است:

چو آن نامه بر خواند هر مهتری
کجا بود در پادشاهی سری

بزرگان هر کشوری با سپاه
نهادند سر سوی درگاه شاه^۳

در میان نیروهای ارسالی معمولاً بهترین و برگزیده‌ترین نیروها باید به همراه پادشاه در قلب لشکر جای می‌گرفتند:

گزين كرد زان لشكر نامدار
سواران شمشير زن سی هزار

که باشند با او به قلب‌اندرون
همه جنگ را دست شسته به خون^۴

آن چه از اسطوره‌های ایرانی و به ویژه از سروده‌های فردوسی برمی آید آن است که پادشاهان در شکل اسطوره‌ای نیز با بخشیدن غنائم و رسیدگی به وضع ارتش تلاش می‌کردند که این بخشایش‌ها محرک خوبی برای فداکاری و استواری نظامیان باشد. چنانکه در داستان کیکاووس آمده است:

به لشکر گهش کس فرستاد زود
بفرمود تا خواسته هر چه بود

ز گنج و زتخت و زدر و گهر
زاسب و سلیح و کلاه و کمر

سزاوار هر کس ببخشید گنج
به ویژه کسی کش فزون بود رنج^۵

فردوسی بسیاری از ابزار آلات نظامی و چگونگی حصارهای دفاعی در نزد ایرانیان و حتی تورانیان بیان می‌کند و این ابزار آلات، بعدها در ارتش‌های ایران باستان و همسایگان‌شان و حتی در ایران دوره‌ی اسلامی نیز تداوم می‌یابد برای نمونه می‌توان به توصیف فردوسی در مورد قلعه‌ها و سیستم دفاعی افراسیاب تورانی اشاره کرد:

۱. فردوسی، همان، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۲۲۲.

۳. همان، ص ۲۹۴.

۴. همان

۵. همان، ص ۹۱.

به برج‌اندرون رزم را جای کرد
کشیدند بر باره افسونگران
بر آن باره عراده و منجیق
همه برج‌ها پُر زخفتان و ترگ
که هر کس برفتی بر دژ فراز
و گرنه ز دژ زود بگریختی
به هر کار با هر کسی داد کرد
سپرهای چینی و تیر و کمان^۱

به دیوار عراده بر پای کرد
بفرمود تا سنگ‌های گران
بر آورد بیدار دل جاثلیق
کمان‌های چرخ و سپرهای کرگ
بیستند بر نیزه‌های دراز
بدان چنگ تیزاندر آویختی
سپر را درم داد و آباد کرد
همان خود و شمشیر برگستوان

در ایران باستان گذشته از آن چه در اسطوره‌ها می‌خوانیم، تحقیقات باستان‌شناسی نیز در قرون اخیر وجود آثار مربوط به جنگاوری را در جای جای ایران، حتی قبل از دوره آریایی اثبات نموده است. در آثار دوره پارینه سنگی در کوه‌های بختیاری و لرستان مانند تنگ پیده، همیان و در مناطق دیگر مانند غار هوتو در مازندران، ادوات جنگی مانند پیکان، خنجر، تیغه و تبر از جنس سنگ و استخوان کشف شده است. همچنین در حفاری‌های انجام شده در جنوب شرقی کردستان نیز نمونه‌ی چنین ابزارهای به دست آمده است.^۲ در آثار کشف شده از تورنگ تپه در نوزده کیلومتری گرگان و همچنین شاه تپه در سیزده کیلومتری شمال غربی این شهر، تعدادی ابزارهای نظامی یافت شده است.^۳ گذشته از این آثار، در حفاری‌های منطقه‌ی تالش گیلان آثاری از سر نیزه و پیکان‌های مفرغی متعلق به کاسی‌ها به دست آمده است. در این منطقه خنجرها و شمشیرهای دارای قبضه‌هایی میان تپی که در بخش تهی قبضه، چوب و استخوان تعبیه می‌کردند به دست آمده است. نمونه‌ی مشابه این آثار در مارلیک گرگان، تپه گیان نهاوند^۴ و به ویژه آثار نظامی مفرغی متنوع لرستان مانند شمشیرها، پیکان‌ها گرز، سر نیزه و کلاه‌خودها یافت می‌شود.^۵

اهمیت مسائل نظامی در ایران قبل از دوره آریایی به شکلی بود که اصول شهرسازی در نزد ایرانیان متأثر از مسائل نظامی بود. در آثار یافت شده در تپه حسنلو، اثر قلعه‌ای به دست آمده است که دیوارهای آن به قطر سه متر و ارتفاع هفت متر و برج‌های مربع شکل به فاصله‌های سی متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. همچنین در آن جا خمره‌های بزرگی جهت ذخیره‌ی آب در مواقع ضروری به دست آمده است.^۶ احتمالاً ذخیره‌ی آب در

۱. همان، ص ۳۰۷.

۲. معطوفی، اسدالله، تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران، تهران، انتشارات ایمان، ۱۳۸۲، صص ۱۴ و ۱۱.

۳. سرتیپ‌پور، جهانگیر، نشانه‌هایی از گذشته‌های دور گیلان و مازندران، تهران، چاپ خرمی، ۱۳۵۱، ص ۴۰.

۴. همان، صص ۸۵ و ۸۳.

۵. گریشمن، رومن، هنر ایران، ج ۲، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۶۳.

۴۲.

۶. معطوفی، همان، ص ۱۸.

هنگام هجوم دشمن و محاصره‌ی قلعه بوده است.

آریایی‌ها نیز بعدها از تجربیات نظامی اقوام مختلف ساکن در فلات ایران بهره‌های فراوان برده‌اند. برای نمونه می‌توان به استفاده از ارابه‌های جنگی اشاره نمود که نزد اقوامی مانند میتانی‌ها رایج بود و بعدها سرمشق هخامنشیان گردید.^۱ هیتی‌ها نیز دارای ارتش منظمی بوده‌اند که مالکیت زمین‌ها با روسای نظامی و به شکل موروثی و مجبور به انجام خدمات نظامی برای حکومت بودند. از دیگر اقوامی که دارای ارتش و سازماندهی منظم بودند می‌توان به آشوری‌ها اشاره کرد که دارای ارابه‌های جنگی، دسته‌های سواره نظام و مهندسی و همچنین ساز و برگ محاصره بودند آن‌ها به خوبی از فنون آماده ساختن ارتش و به کارگیری آن‌ها در جنگ آگاهی داشتند و ساز و برگ جنگی آن‌ها که بیشتر از آهن بود شباهتی به قرون وسطی داشت، اسلحه‌ی آنان تیر و کمان، شمشیر کوتاه، چماق، فلاخن و تبرزین بود و بزرگان آن‌ها با سوار شدن بر ارابه‌های جنگی در جلوی لشکر قرار می‌گرفتند و شاه به عنوان فرمانده جنگ سوار بر ارابه‌ی سلطنتی بود.^۲ در نزد آشوریان هم سربازان حرفه‌ای و هم سربازگیری سالیانه به دستور پادشاه انجام می‌گرفت و این سربازان گذشته از آن که به بهترین ابزارهای نظامی مجهز می‌شدند دارای تیرهای بزرگ و تھی با سر مفرغی یا آهنی برای ویران کردن قلعه‌ها و برج‌های متحرک بودند.^۳ مساله‌ی دیگر در مورد ارتش قبل از دوره‌ی آریایی که بعدها نیز تداوم یافت استفاده از ارتش در راستای منافع اقتصادی است. زیرا توسعه‌طلبی‌ها عموماً با ابزار نظامی صورت می‌گرفت که با هدف تأمین منافع اقتصادی بود. چنانکه حتی بسیاری از دولت‌های همجوار ایران جهت تأمین منافع سرشار معدنی مانند طلا، مس و قلع از یک سو و اهمیت ایران در ترانزیت کالا و عبور کالاهای مهمی مانند سرب از معادن ارمنستان و یا لاجورد بدخشان از ایران، چشم طمع به ایران داشتند و رسیدن به اهداف اقتصادی خود را مستلزم اعمال نظامی و داشتن ارتشی منسجم می‌دانستند.^۴

در ایلام باستان نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین تمدن‌های ایران قبل از آریایی از ارتش جهت رسیدن به منافع اقتصادی و سیاسی بهره بردند. چنانکه در اوج قدرت ایلامیان، شوتروک نهونته پادشاه ایلامی سیاست تهاجمی در قبال همسایگان برای رسیدن به منافع اش در پیش گرفت و با هجوم به بابل این شهر را تصرف کرد. در زمان شیلهاک اینشوشیناک حتی موفق به نفوذ به ناحیه‌ی دیاله و راندن آشوری‌ها به مناطق دورتر شدند.^۵ در این حملات مجسمه خدای بابل یعنی مردوک به شوش انتقال داده شد که انتقال خدایان

۱. دولاندن، ش، تاریخ جهانی، ج ۱، ترجمه احمد بهمنش، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۴.

۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه احمد آرام و امیر حسین آریان پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۸.

۳. دولاندن، همان، ص ۳۵.

۴. گریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، صص ۴۶ و

۴۵.

۵. همان، ص ۵۷.

به معنای اسارت و سرافکندگی آن شهر بود. پس می‌توان گفت که ارتش می‌توانست در جهت امور مذهبی نیز گام بردارد.

از ایلامیان آثار مهم نظامی در کاوش‌های منطقه‌ی لرستان به دست آمده است.^۱ شیوه‌ی جمع‌آوری ارتش ایلامی که متکی بر اقوام و طوایف تقریباً مستقلی بود که در زمان حملات دشمنان بسیج می‌شدند بعدها در دوره‌ی اقوام آریایی مانند پارت‌ها خود را نشان داد.^۲

ارتش ایران در دوره استقرار حکومت‌های آریایی

اولین نشانه‌های ارتش منظم و قدرتمند در نزد آریایی‌های ایران را باید در حکومت ماد جستجو کنیم. مادها به علت طبیعت زندگی آن‌ها یعنی کوچ‌نشینی و برخورد با مشکلات و به ویژه تجاوزات آشور، افرادی جنگجو و دلیر بودند و با وجود کوهستانی بودن منطقه‌ی زندگی‌شان در غرب ایران که برای آن‌ها مانند دژی طبیعی بود همچنان زندگی و اسلحه‌ی ساده داشتند و تحت ریاست سران طوایف می‌جنگیدند.^۳ رهبر اولیه‌ی آن‌ها یعنی دهیوک هم یک فرمانده نظامی، هم یک داور و هم پادشاه بود. به تدریج آنان به ساخت شهرها بر اساس اصول نظامی پرداختند و هگمتانه مرکز آن‌ها در اصل دژی بود که دارای دیوارهای تودرتو بود و شهر را به صورت قلعه‌ای عظیم و مستحکم درآوردند و همچنین دارای کنگره‌های عظیم برای تیراندازی سربازان بود.^۴ مادها از زمان کودکی، افراد را جهت امور نظامی پرورش می‌دادند. چنانکه اطفال را جهت مراقبت از بناهای دولتی در کنار دیگر بزرگان به کار می‌گماشتند تا با امور آشنا شوند و از سویی شاه در شکار مانند یک آرایش جنگی حرکت می‌کرد و همراهان او کمان، ترکش، شمشیر، خنجر و سپر به همراه داشتند و شکار در نظر آن‌ها یک مکتب جنگی و میدانی برای تمرین جنگ واقعی بود. در کنار این مسائل جوانان نیز باید هر روز به سوارکاری و تیراندازی می‌پرداختند.^۵

اما در ماد تا مدت‌ها ارتش به شکل مستقلی وجود نداشت و توده‌ی اصلی ارتش را همان مردم سلحشور تشکیل می‌دادند که بر حسب نیازها جمع می‌شدند.^۶ بنیانگذار واقعی قدرت مادها را باید هوخستر (کیاکسار) دانست که با ایجاد تغییراتی در ارتش مادها را به اوج قدرت رساند. به واقع عامل

۱. واندنبرگ، لوئی، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، صص ۹۲ و ۹۱.

۲. پیرنیا، حسن، ایران باستان، ج ۱، تهران، نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴.

۳. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، ج ۱، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۸۲.

۴. راوندی، همان، ص ۱۷۱.

۵. گزنفون، کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۷.

۶. دیاکونوف، آ. م، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، ص ۴۱۱.